

# فصل اول:

## کلیات تحقیق

### 1. طرح

سیاست

اجتماعی

محیط داخلی نیز اثر می پذیرد و آن چه بیش از هر چیز سیاست خارجی یک کشور را تعیین می کند منافع ملی آن کشور است.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس اصول ثابت و پایداری بنا نهاده شده است که راهنمای رفتار و کنش در عرصه بین المللی قرار می گیرد و بر پایه منافع و ارزش

های ملی کشور تنظیم و مدون می شود؛ بر اساس همین منافع است که اصول، راهبردها و جهت گیری های کلی سیاست خارجی تعیین می شوند.

اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی با توجه به ماهیت این نظام، از دین اسلام و ایدئولوژی اسلامی مبتنی بر کتاب و سنت نشأت می گیرد و رهبری به این دلیل که در نظام جمهوری اسلامی بالاترین مقام تصمیم گیرنده است، در حوزه سیاست خارجی نیز دارای اختیارات گسترده ای است که برخی از این اختیارات به طور مستقیم بر سیاست خارجی اثر می گذارند (تعیین سیاست های کلی و نظارت بر حسن اجرای آن) و برخی دیگر به گونه ای غیر مستقیم (عزل و نصب رئیس جمهور).

در این پژوهش برآنیم که با در نظر گرفتن جایگاه رهبری در رأس هرم تصمیم گیری و سیاست گذاری در حوزه سیاست خارجی، به بررسی مبانی نظری آیت الله خامنه ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران پرداخته و با تبیین سرچشمه ی این مبانی، موضع گیری های ایشان را در مورد مسائل مهم و حساسی که در دوره ی زعامت ایشان پیش روی جمهوری اسلامی بوده است، مورد مطالعه و تحقیق قرار دهیم.

## 2. ضرورت و اهمیت تحقیق

نظام جمهوری اسلامی ایران که پس از وقوع انقلاب اسلامی به عنوان نخستین حکومت دینی پا به عرصه جهان گذاشت، به عنوان بازیگری با داعیه ی حکومت دینی برای شناسایی و تداوم حیات سیاسی و اقتصادی خود و پویایی در عرصه ی جهان پا به عرصه ی بین الملل نهاد. برای اولین بار نگاه دینی امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی به عرصه ی سیاست خارجی که برخاسته از مبانی اسلامی و سنت بود، حوزه ی سیاست خارجی را نیز تحت تأثیر قرار داد.

نظر به گفتمان جمهوری اسلامی ایران و نقش این کشور در عرصه ی جهانی، بررسی مبانی نظری آیت الله خامنه ای در حوزه ی سیاست خارجی و مشخص ساختن نسبت این مبانی با مکتب و ایدئولوژی اسلامی، جهت کاربردی کردن و استفاده از قابلیت های آن امری ضروری است. چگونگی نمود مبانی اندیشه های رهبری در عرصه ی عمل و واکنش های ایشان نسبت به مسائل

راهبردی می تواند به عنوان راهنمای عمل دستگاه دیپلماسی و سایر دستگاه های اجرایی در حوزه سیاست خارجی قرار گیرد.

### **3. هدف تحقیق**

هدف این تحقیق بررسی ابعاد تازه ای از مبانی نظری آیت الله خامنه ای به عنوان رهبر مسلمین جهان است که همواره رفتار و عملکرد ایشان مورد توجه و مبنای عمل مسلمانان جهان قرار می گیرد. در همین راستا مبانی اندیشه ای ایشان در حوزه ی سیاست خارجی، از بیانات، تألیفات و سخنرانی هایشان استخراج گردیده و موضع گیری های ایشان در قبال موضوعات کلیدی جمهوری اسلامی ایران و هم چنین جهان اسلام مانند: رابطه با آمریکا، مسأله فلسطین و رژیم اسرائیل و... را مورد بررسی قرار می دهد.

### **4. سؤال اصلی تحقیق**

مبانی نظری آیت الله خامنه ای در سیاست خارجی چیست و از کجا نشأت می گیرد؟

### **5. فرضیه اصلی تحقیق**

مبانی نظری آیت الله خامنه ای در سیاست خارجی از اصول و مبانی اسلام و ایدئولوژی انقلاب اسلامی نشأت می گیرد. و نفی سلطه گری و سلطه پذیری، نفی ظلم و ظلم ستیزی، اصل دعوت با تکیه بر نظریه ی صدور انقلاب اسلامی، اصل تألیف قلوب، اصل تولی و تبری و اصل اتحاد مسلمانان، را شامل می شود.

### **6. روش تحقیق**

در این تحقیق با توجه به ماهیت موضوع، از روش اسنادی- کتابخانه ای برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است.

### **7. روش جمع آوری داده ها**

نوع تحقیق با توجه به موضوع آن، تحلیلی و در برخی موارد اکتشافی است.

## 8. چارچوب نظری

این تحقیق چارچوب نظری ندارد.

## 9. پیشینه ی تحقیق

با توجه به این که بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری موضوعی است که کمتر کسی تاکنون به آن پرداخته است، منابع بسیار محدودی در این زمینه وجود دارد. البته کتاب ها، مقالات و پایان نامه های زیادی درباره اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) نوشته شده است؛ به عنوان مثال می توان از کتاب اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) نوشته ی محمدحسین جمشیدی که در سال 1384 توسط انتشارات پژوهشکده امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است نام برد، این کتاب شامل 13 فصل است و عناوین فصول آن به شرح زیر می باشد: فصل اول: زمان، شخصیت و آثار سیاسی، فصل دوم: مبانی نظری اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) ، فصل سوم: مبانی انسان شناختی و ارزشی، فصل چهارم: سیاست و دین در نگاه امام خمینی (ره) ، فصل پنجم: مفاهیم بنیادین در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره): آزادی، فصل ششم: مفاهیم بنیادین در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره): عدالت، فصل هفتم: مفاهیم بنیادین اندیشه سیاسی امام خمینی (ره): حق و قانون، فصل هشتم: نگرشی بر مبارزه، قیام و انقلاب، فصل نهم: جامعه و دولت، فصل دهم: حکومت و ولایت فقیه، نظریه ولایت فقیه، فصل دوازدهم: حاکم و رهبر در نظریه ولایت فقیه، فصل سیزدهم: مردم و حکومت.

کتاب دیگری که به بررسی اندیشه سیاسی بنیانگذار انقلاب اسلامی پرداخته است، عارض خورشید: مقدمه ای بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، نوشته ی مصطفی دلشاد تهرانی، است که در سال 1380 توسط انتشارات دریا به چاپ رسیده است. این کتاب مشتمل بر 5 بخش می باشد: بخش اول: جایگاه اندیشه سیاسی امام خمینی بخش دوم: تمهیدات و مقومات اندیشه سیاسی امام خمینی، بخش سوم: خاستگاه اندیشه سیاسی امام خمینی، بخش چهارم: ریشه های اندیشه سیاسی امام خمینی، بخش پنجم: مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی.

تأملاتی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) نام کتابی است از محمدصادق کوشکی در سال 1379 توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ شده است و دارای 4 بخش می باشد، بخش اول: مبانی سیاست و حکومت مطلوب از منظر وصیت نامه ی سیاسی الهی امام خمینی(ره)، بخش دوم: "ولایت فقیه" انتصاب الهی یا انتخاب مردمی، بخش سوم: دموکراسی از دیدگاه حضرت امام خمینی، بخش چهارم: نخبگان مطلوب در دیدگاه امام خمینی(ره)،

هم چنین بعضی محققان به بررسی مبانی نظری حضرت امام(ره) در حیطه سیاست خارجی پرداخته اند، از جمله: مقاله ای از محمد ستوده، با عنوان امام خمینی(ره) و مبانی نظری سیاست خارجی، که در 1378، مجله علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم(ع)، سال دوم، شماره پنجم چاپ شده است و می توان به پایان نامه هایی مانند: "مبانی جهت گیری های سیاست خارجی در اندیشه سیاسی امام خمینی"، از علی ایمانی در سال 1383، پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، هم چنین "بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی(ره)" نوشته ی حمید توکلی کرمانی دانشجوی دانشکده ی علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس سال 1374، اشاره کرد.

کتاب هایی نیز به بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی همراه با ذکر بیاناتی از امام خمینی(ره) و آیت ا... خامنه ای پرداخته اند از آن جمله: کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نوشته ی جلال دهقانی فیروزآبادی که چاپ اول آن در سال 1388 توسط انتشارات سمت به چاپ رسیده است و هادی آجیلی نیز کتابی را در سال 1389، توسط انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، با عنوان "صورت بندی گفتمان اسلامی در روابط بین الملل در 4 فصل تألیف کرده اند که شامل: فصل 1. چارچوب تئوریک و روش شناسی، فصل 2. صورت بندی گفتمان اسلام سیاسی-فقهاتی، فصل 3. گفتمان اسلام-فقهاتی و فرآیند غیریت سازی در حوزه روابط بین الملل، فصل 4. مفصل بندی ایجابی گفتمان اسلام سیاسی- فقهاتی در عرصه سیاست بین الملل، ایشان در این کتاب ضمن ذکر مبانی نظری امام خمینی(ره)، مبانی رهبری را نیز آورده اند.

منابع محدودی نیز به تشریح اندیشه های رهبری پرداخته اند، از جمله احمد عارف خانی در کتابی به نام اندیشه های سیاسی مقام معظم رهبری به مناسبت بیستمین سال رهبری حضرت آیت الله خامنه ای به بررسی اندیشه های سیاسی ایشان پرداخته است.

البته شایان ذکر است کتاب هایی نیز به رشته تحریر در آمده اند که دیدگاه آیت الله خامنه ای را در مورد موضوعی خاص از مسائل سیاست خارجی مورد بررسی قرار داده اند؛ از جمله ی این کتاب ها : رابطه و مذاکره با آمریکا از دیدگاه مقام معظم رهبری است که در سال 1382 توسط انتشارات وزارت دفاع و کتاب دیگری از همین مرکز، با عنوان فلسطین و رژیم صهیونیستی از دیدگاه مقام معظم رهبری، هم چنین کتاب آمریکا در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه ای نوشته ی منوچهر محمدی در سال 1386، و آمریکا از دیدگاه مقام معظم رهبری که مرکز تحقیقات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال 1378 توسط انتشارات محدث، به چاپ رسانده است، باید اشاره کرد.

هیچ کدام از منابع ذکر شده به صورت جامع و کامل به بررسی مبانی نظری آیت الله خامنه ای در حوزه سیاست خارجی نپرداخته اند؛ ما در این تحقیق برآنیم که این مبانی را به طور کامل ذکر نموده و با نشان دادن سرچشمه ی این مبانی مواضع عملی ایشان را مورد بررسی قرار دهیم.

## **10. مفاهیم کلیدی**

سیاست خارجی، ایدئولوژی، بیداری اسلامی، وحدت اسلامی.

## **11. تعریف مفاهیم کلیدی**

### **1.11. سیاست خارجی**

سیاست خارجی عبارت است از : خط مشی و روشی که دولت در برخورد با امور و مسایل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و [تعقیب و تحصیل] منافع خود اتخاذ می کند.

"به عبارت دیگر، سیاست خارجی بازتاب اهداف و سیاست های یک دولت، در صحنه ی روابط بین الملل و در ارتباط با

سایر دولت ها، جوامع، سازمان های بین المللی، نهضت ها، افراد بیگانه و حوادث و اتفاقات جهانی است.<sup>1</sup>

## 2.11. ایدئولوژی

"مرکب از «ایده + لوژی» به معنای عقیده شناسی و به معنی خود عقیده و طرز تفکر هم به کار می رود. معنای اصطلاحی خاص ایدئولوژی عبارت است از: سیستم فکری که شکل و طرح کلی رفتار انسان را تعیین می کند و به عبارت دیگر ایدئولوژی یک سلسله آراء کلی هماهنگ درباره رفتارهای انسانی است و طبق تعریف دیگر، ایدئولوژی، اندیشه ای عملی است.<sup>2</sup>

شاید کوتاه ترین تعریفی را که برای ایدئولوژی بتوان ارائه داد آنست که بگوئیم: ایدئولوژی نوعی خودآگاهی است. تعریف دیگر آنست که ایدئولوژی را نظامی از ایده ها و قضاوت های روشن و صریح و عموماً سازمان یافته ای بدانیم که موقعیت یک گروه، یا جامعه را توجیه و تفسیر و تشریح می نماید. این نظام با الهام و تأثیر پذیری شدید ارزش ها، جهت یابی معین و مشخصی را برای کنش های اجتماعی آن گروه یا جامعه پیشنهاد می نماید و ارائه می دهد. بنابراین براساس تعریف فوق ایدئولوژی در درون فرهنگ به عنوان مجموعه ای کاملاً بهم پیوسته، هماهنگ و سازمان یافته از ادراکات و ارائه کننده نظرات محسوب می گردد و به همین دلیل می توان از آن به عنوان یک نظام نام برد و از طرف دیگر با در نظر گرفتن طبیعت و جوهر آن که تجلی بخش نظرات است، ایدئولوژی به عنوان ابزار کنش تاریخی نیز محسوب می گردد. به عبارت دیگر، ایدئولوژی بوسیله ی بشرین و کسانی که سعی دارند اثراتی بر جریان تاریخی جامعه خود بگذارند، ارائه می شود و اشاعه می یابد و بدین ترتیب موجب تغییرات یا تحولاتی در جامعه می گردد.

البته ایدئولوژی در حوزه الهیات و معارف اسلامی یک نظریه کلی درباره جهان هستی همراه با یک طرح جامع، هماهنگ و منسجم است که راه انسان را در زندگی مشخص می کند و هدف

---

<sup>1</sup> . منوچهر محمدی، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، 1366، ص 23.

آن سعادت و تکامل اوست به عبارت دیگر مجموعه ای از بایدها و نبایدها در زندگی و رفتار انسان است که مایه سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت می گردد.

### 3.11. بیداری اسلامی

"از بیداری اسلامی به پدیده ای اجتماعی تعبیر می کنند که به معنای بازگشت بیداری و هوشیاری امت اسلامی است تا به خود باوری برسد و به دین و کرامت و استقلال سیاسی، اقتصادی و فکر خود مباهات کرده و در راستای ایفای نقش طبیعی خود به عنوان بهترین امت برای مردم تلاش کند. به تعبیر دیگر می توان منظور از بیداری اسلامی را مجموعه ای از باورهای دینی دانست که در دوره کنونی در میان مسلمانان عالم شیوع پیدا کرده است. اساساً بیداری اسلامی از مصادیق باورها و گرایش معنوی در جهان اسلام است. پس حرکتی را که هدف آن بازگشت به اسلام ناب وهویت فراموش شده دینی، رهایی از دست استکبار جهانی باشد بیداری اسلامی گویند. این اعتقاد مشترک نسبت به آموزه های دینی در بین همه مسلمانان سراسر جهان وجود دارد."<sup>1</sup>

بیداری اسلامی، یعنی حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی که اکنون به تحولی بزرگ در میان جهان اسلام انجامیده و قیام ها و انقلاب هائی را پدید آورده که هرگز در محاسبه ی کشورهای منطقه ای و بین المللی نمی گنجد؛ خیزش های عظیمی که حصارهای استبداد و استکبار را ویران و قوای نگهبان آنها را مغلوب و مقهور ساخته است.

بیداری اسلامی که با عبارات احیای اسلام، جنبش اسلامی و بینادگرایی مطرح می شود، حدود يك قرن است که یکی از مسائل خاورمیانه می باشد. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ابعاد بیداری اسلامی را بین المللی و شتاب و تأثیر شگرفی بر تحولات سیاسی و فرهنگی داشته است.

---

1 . <http://tooba.net/Articles/Show/47/1-4>



## 4.11. وحدت اسلامی

"مقصود از اتحاد اسلامی، تفاهم و ایجاد همبستگی کلی در بین مسلمانان در یک فرایند مشخص می‌باشد. از این رو، می‌توان گفت؛ هرگونه اقدام و سیاست گذاری هماهنگ و مشترک مسلمانان که برآیند آن انسجام اسلامی، ایجاد الفت و همگرایی در بین مسلمانان باشد، جزء مفهوم وحدت اسلامی به حساب می‌آید."<sup>1</sup>

وحدت اسلامی به معنای نفی باورها و تغییر هویت شیعیان یا اهل سنت نیست، بلکه بدین معناست که طرفین با احترام به باورهای یکدیگر و خودداری از توهین به طرف مقابل، برادرانه در کنار هم زندگی نمایند. به عبارت بهتر وحدت امت اسلامی به معنای تحقق وحدت اسلامی در مجموعه کلی امت اسلام و به صورت کلان، در سرتاسر جهان است، به گونه ای که در نهایت، نوید تشکیل امت واحد اسلامی به گوش رسد. «وان هذه امتکم امه<sup>۱</sup> واحد<sup>۲</sup> وانا ربکم فاتقون» (قرآن کریم، سوره ی مؤمنون، آیه ی ۵۲)

## 12. سازماندهی تحقیق

### فصل اول: کلیات تحقیق

### فصل دوم: مبانی نظری آیت الله خامنه ای در حوزه سیاست خارجی

1- نفی سلطه گری و سلطه پذیری

2- نفی ظلم و ظلم ستیزی

3- اصل دعوت (با تکیه برنظریه صدور انقلاب اسلامی)

---

1 . <http://nasemsahar.blogfa.com/post-41.aspx>

**3-1- صدور انقلاب اسلامی**

**4- اصل تألیف قلوب**

**4-1- فلسطین و لبنان**

**5- اصل حکمت ، عزت ، مصلحت**

**6- اصل "تولی و تبری"**

**6-1- روابط برادرانه با کشورهای اسلامی**

**6-2- روابط محترمانه با کفار غیر متخاصم**

**6-3- روابط خصمانه با کشورهای متخاصم**

**7- اتحاد مسلمانان**

**فصل سوم: مواضع و عملکرد آیت الله خامنه ای در حوزه سیاست خارجی نسبت به مسائل ایران و جهان اسلام**

**1- دیدگاه رهبری در مورد رابطه با آمریکا**

**2- مسأله هسته ای**

**3- میکونوس و نحوه برخورد با این بحران سازی**

**4- بوسنی و هرزگوین**

**5- موضع گیری رهبری در باره مساله فلسطین، اسرائیل و صلح خاورمیانه**

**فصل چهارم- مبانی نظری آیت الله خامنه ای در سیاست خارجی نسبت به مسأله بیداری اسلامی**

**فصل پنجم- مبانی نظری آیت الله خامنه ای نسبت به سیاست های آمریکا در خاورمیانه**

**نتیجه گیری**

**منابع و مأخذ**

## فصل دوم :

اصول و مبانی نظری  
آیت... خامنه ای در  
حوزه سیاست خارجی

## 1- نفی سلطه گری و سلطه پذیری

منطق سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، منطق اسلام است که در آن سلطه جایگاهی ندارد. جمهوری اسلامی، براساس آموزه ها و اعتقادات اسلامی و برای حفظ عزت و احترام کشور و ملت در عرصه جهانی باید از روابط مبتنی بر سلطه اجتناب نماید.

مبانی و مستندات این اصل را می توان در کتاب و سنت استخراج کرد. قاعده نفی سبیل اولین مبنای قرآنی این اصل است. خداوند رحمان آیه 141 سوره نساء می فرماید: "لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا" خداوند هرگز و به هیچ وجه برای کافران نسبت به مؤمنان راه سلطه و تفوق را باز نگذاشته است."

بنابراین یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با توجه به تعالیم اسلامی قاعده نفی سبیل است بر اساس این قاعده برای کفار و بیگانگان کوچکترین راه نفوذ و تسلط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی بر مسلمانان وجود نخواهد داشت و هر گونه رابطه ی سیاسی - اقتصادی که به سلطه ی غیر مسلمان بر مسلمان بینجامد شرعاً حرام می باشد. این قاعده ضامن استقلال و آزادگی مسلمانان در همه ی زمینه هاست. و جمهوری اسلامی برای حفظ سیادت و برتری مسلمانان، سیاست خارجی خود را بر اساس این اصل تدوین کرده است.

اصل 152 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این اصل و قاعده کلی را بیان کرده است "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیرمحارب، استوار است."

امام خمینی(ره) در زمینه مبارزه همیشگی با سلطه گران در طول تاریخ و ایستادگی در برابر قلدران معاصر می فرمایند: " اگر آقایان می گویند که چرا شما با آمریکا در افتادید که این جنگ(جنگ ایران و عراق) واقع شود که ما از اول می دانستیم که در افتادن با آمریکا و همه قدرت ها این توابع را دارد ولی این اشکالی است که آقایان باید به خود پیغمبر بکنند که چرا با ابوسفیان ها در

افتادید تا عمویت و افراد بزرگی از اسلام کشته شوند و می بایست تسلیم می شدی و در گوشه خانه ات می نشستی و در این صورت به امیرالمؤمنین هم اشکال وارد است که همه گفتند بگذار معاویه و اشعث در حکومت شام باقی باشد و همین مطلب اسباب این شد که اشخاصی مثل عمار و چندین هزار جمعیت کشته شوند و با این تفکر، اشکال به حضرت سیدالشهدا هم وارد است که چرا از مدینه آرام برخاست و با یک جمعیت کم به راه افتاد و در مقابل یک حکومت جبار ایستاد.

پس اگر بنا باشد همه این ها و همه انبیاء در تاریخ اشتباه کرده باشند و می بایست با منطق این آقایان با قلدرها بسازند، ما هم اشتباه کرده ایم و به آن اعتراف می کنیم و اگر مسأله انسانیت و ارزش های انسانی است، مسأله جلوگیری از این جنایاتی است که قلدرها به بشریت و انسانیت می کنند، مسأله تباهی افراد ارزشمند است، پس ما نمی توانستیم داخل خانه نشسته باشیم و آمریکا هم بیاید در داخل این کشور حکم فرمایی کند و همه دست به سینه در برابر آمریکا بایستند و چاپلوسی کنند تا این که نان و اسلحه به آن ها بدهد و یا این که مهماتی را در این جا انبار کند که هر وقت جنگی واقع شد برای خودش استفاده کند و برای خودش پایگاه بسازد.<sup>1</sup>

"یکی از مصادیق عملی و برجسته نفی سلطه در تقریرات امام خمینی(ره)، موضع گیری ایشان در خصوص تسخیر سفارت آمریکا در تهران موسوم به لانه جاسوسی توسط عده ای از دانشجویان در سال 1358 می باشد. امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب، نخستین کسی بود که از اقدام دانشجویان حمایت کرد و عمل آنان را واکنش طبیعی ملت در قبال دخالت های آمریکا در امور ایران دانست. ایشان در همین رابطه هنگامی که نماینده اعزامی پاپ(رهبر کاتولیک های جهان) را به منظور میانجیگری برای آزادی گروگان های آمریکایی به تهران آمده بود ملاقات نمود مطالبی را به شرح ذیل اظهار داشتند:

مقام روحانیت مسیح و پاپ اعظم احترامی دارند. خوشحال شدم از این که ایشان پیام فرستادند. من مطلبی را باید

<sup>1</sup> . امام خمینی، صحیفه نور، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ج1361، 17، صص121-120.

به ایشان تذکر بدهم... ما 50 سال کشته دادیم، در حبس بودیم، حبس های غیر انسانی که بهترین افراد این ملت را در آن جا شکنجه می دادند، یک میانجیگری در کار نبود و آقای پاپ اعظم به این فکر نیفتادند که از این ملت مستضعف پشتیبانی کنند یا لاقلاً میانجیگری کنند. چه شد امروز که جوان های ما رفته اند و این چند نفری که در آن لانه جاسوسی به سر می بردند و عامل توطئه و جاسوسی بر ضد ملت ما بودند... چه شد که آقای پاپ اعظم به فکر این افتادند که برای حس انسان دوستی، این ها را آزادشان کنند... ما میل داشتیم که در طول این مدت از روحانی بزرگ نصاری یک تفقدی به حال ملت ضعیف شده باشد... من به شما آقای پاپ عرض می کنم که اگر عیسی مسیح بود ما را از چنگال این دشمن بشر نجات می داد و شما نماینده ایشان هستید و باید همان کاری را که مسیح می کند بکنید."<sup>1</sup>

در این زمینه امام خمینی(ره) نیز می فرماید: "ملت اسلامی پیرو مکتبی است که برنامه های آن مکتب خلاصه می شود در دو کلمه "لا تظلمون ولا تظلمون"<sup>2</sup>

قاعده ی نفی سبیل قبل از وقوع انقلاب اسلامی نیز در این کشور مصادیقی داشته است از آن جمله: تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی در سال 1268 ه.ش، هم چنین مخالفت امام خمینی(ره) با کاپیتولاسیون.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سران استکبار همواره در فکر نفوذ و سلطه ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به این سرزمین بوده اند و با صرف بودجه های کلان سعی در عملی کردن نقشه های خود جهت تشکیل حکومتی دست نشانده در ایران و هم چنین در صدد دور کردن این کشور از آرمان های انقلاب خود از جمله مخالفت با نظام ارباب رعیتی در سطح جهانی است. در حالیکه جمهوری اسلامی با ایده ی مخالفت با نفی سلطه گری در سطح داخلی و جهانی به وقوع پیوسته است و در صورت نادیده گرفته این اصل ماهیت انقلاب ایران زیر سؤال خواهد رفت.

بر این اساس آیت الله خامنه ای نیز در مورد این که چرا باید در برابر سلطه گران مقاومت کنیم می فرمایند:

---

<sup>1</sup> . حمید توکلی کرمانی، بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، 1374ص134.

<sup>2</sup> . هادی آجیلی، صورت بندی گفتمان اسلامی در روابط بین الملل، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع)، 1389، ص247.

" جواب این است که اگر استکبار و دستگاه سلطه توانست بر کشوری تسلط یابد و در آن نفوذ پیدا کند، منافع آن ملت، دیگر نادیده گرفته خواهد شد. منافع مادّی، منافع اقتصادی، خواسته‌های معنوی و رشد و اعتلای فرهنگی از بین خواهد رفت و مثل وضعیت دوران قبل از انقلاب خواهد شد که یک حکومت دست‌نشانده در اینجا حاکم بود. بنابراین ملت ایران ناگزیر است برای آینده و برای سعادت خود، در مقابل دشمن سلطه‌گر، مقاومت و ایستادگی کند و راهی را که به سوی کمال و سعادت اوست، با قدرت بپیماید."<sup>1</sup>

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که اصول سیاست خارجی ما مطابق با اصول انقلاب است؛ ایشان در ادامه می‌فرمایند این انقلاب تکلیف ما در حوزه سیاست خارجی مشخص کرده است چه در اوایل انقلاب اصول سیاست خارجی خود را تنظیم کرده باشیم و چه نکرده باشیم و ما با این انقلاب نظام سلطه را در کشورمان برچیدیم و در سطح جهانی نیز با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری مخالفیم:

" اصول سیاست خارجی ما از اصول انقلاب ما جدا نیست. ما کار کوچکی که نکردیم؛ ما حادثه و پدیده‌ی جدید و عظیم و عمیق و ماندگاری را به وجود آورده‌ایم که انقلاب اسلامی و ایجاد نظام جمهوری اسلامی است. ما چه در اول انقلاب اصول سیاست خارجی خودمان را تدوین کرده باشیم و چه نکرده باشیم، نفس ایجاد این حرکت و پدیده‌ی جدید، در بطن خود تکلیف ما را در مسائل سیاست خارجی روشن کرده است. ما هم چنان که نظام سلطه را در درون کشورمان با انقلاب به هم زدیم، نظام ارباب - رعیتی سیاسی و اجتماعی را به هم زدیم، دید ما در مسائل جهانی هم همین است؛ ما با نظام ارباب - رعیتی در سطح جهان مخالفیم؛ ما با نظام سلطه مخالفیم. اساس سیاست خارجی ما این است که ما این ایده‌ی مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را، به‌عنوان یک ستون مستحکم، در فضای سیاست بین‌المللی در سطح دولت‌ها و ملت‌ها استقرار دهیم."<sup>2</sup>

رهبر جمهوری اسلامی می‌فرمایند ما با انقلاب خود جهت مشترک دو ابرقدرت را که قدرت‌طلبی و سلطه‌گری بود را به چالش کشاندیم:

---

1 . سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در جمع مردم اراک، 1379/8/24.

2 . سخنرانی در دیدار با مسؤولان وزارت خارجه و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور، 1383/5/25.

"طرح نوي ملت ايران که با انقلاب اسلامي آن را به ميدان آورد، چيزي است که جهت مشترک دو ابرقدرت را هدف و آماج خود قرار داده بود و آن را تهديد مي‌کرد. آن جهت مشترک چيست؟ قدرت‌طلبي و سلطه‌طلبي. بله، ما با نظام سلطه مواجه شدیم. نظام سلطه يعني اين‌که در دنيا یک امپراتوري قدرت وجود دارد، متشکل از طرف‌هايي. در مقابل آن‌ها، منابع ثروت متعلق به ملت‌ها وجود دارد. رابطه‌ي بين اين دو قطب، رابطه‌ي سلطه است؛ سلطه‌گر و سلطه‌پذير. او سلطه‌گري مي‌کند؛ ملت‌هايي هم که يا خاکشان، يا آبشان، يا نفتشان، يا منابعشان، يا موقعيت سوق‌الجيشي‌شان مورد نياز آن مرکز قدرت است، بايد سلطه‌پذير باشند و آنچه را که او لازم دارد و منافعش تأمين مي‌شود، تقديم او کنند. اگر اين کشورها منابع و ثروت خود را تقديم کردند، فبها؛ مثل خيلي از کشورهاي جهان سوم به اصطلاح رايج؛ يعني کشورهاي عقب‌افتاده. دولت‌هايي سر کار بودند و منافع ملت‌هاي خود را دودستي تقديم مي‌کردند؛ مثل کشور خود ما در دوران رژيم طاغوت"<sup>1</sup>

ايشان معتقدند جمهوری اسلامی ايران تنها کشوری که در مقابل نظام سلطه جهانی ايستاده است و اين نظام را مورد سرزنش قرار می‌دهد و در پی جايگزينی نظامی است که مبتنی بر عدل در روابط انسان هاست:

" اين جمهوری اسلامي، امروز در مقابل نظام سلطه‌ي جهانی ايستاده است. به تعبیر سياستمدارها، اپوزيسيون نظام سلطه جهانی، امروز جمهوری اسلامي است. تنها جايي که تمام قد در مقابل اين نظام سلطه که مبتني بر دو رکن سلطه‌گر و سلطه‌پذير است - هيچ ثالثي وجود ندارد - ايستاده، جمهوری اسلامي است. کشورهاي ديگر ممکن است گاهي حرفي بزنند، نمونه‌يي نشان بدهند؛ اما در مقابل اين نظام سلطه نايستاده‌اند.

ما نظام شيطاني موجود در دنيا را با ارائه‌ي یک نظام صحيح، که منطبق بر عقل و بر خواست انسان هاست، تخطئه مي‌کنيم. اين نظام، نظامي است که متکي بر عدل در روابط همه‌ي انسان‌ها با يکديگر است؛ نه فقط در روابط انسان‌هاي داخل کشور؛ لذا همه‌ي فراغنه عليه ما ائتلاف کرده‌اند. شما ببينيد که در دنيا کدامیک از فراغنه‌ي بزرگ و کوچک و از شياطين قد و نیم‌قد بودند که با جمهوری اسلامي مخالفت

<sup>1</sup> سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با مسؤولان نظام، 6/8/1383.



و معارضه نکردند؛ اما ما بالاخره برهه‌های مختلف را گذرانیدیم و امروز مشاهده می‌کنید که جمهوری اسلامی محکم در مقابل همه‌ی این‌ها ایستاده است، و نشان می‌دهد که می‌تواند بایستد.<sup>1</sup>

آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند، جمهوری اسلامی ایران با نه گفتن به همه‌ی ابر قدرت‌ها حرف دل همه‌ی ملت‌هایی را زده است که تحت فشار و سلطه‌ی این ابر قدرت‌ها قرار داشته و یا دارند به اعتقاد ایشان بیشتر ملت‌ها از نفوذ استکبار و ترویج فرهنگ بیگانه در کشورشان ناراضی هستند ولی جرأت اعتراض ندارند و هنگامی که مشاهده می‌کنند ملتی بدون هیچ ترسی در مقابل نفوذ آمریکا و غرب ایستادگی می‌کند، خوشحال می‌شوند:

"این انقلاب ضدّ قدرت‌های قلدر عالم بود، یعنی ابر قدرت‌ها را یکجا و با هم نفی می‌کرد و می‌کند و ملت ایران به همه‌ی قدرت‌های مستکبر عالم، «نه» گفت، پس هر جا ملتی زیر فشار یکی از این قدرت‌ها قرار داشت و قرار داشته باشد، به این انقلاب علاقه‌مند است؛ چون حرف دل اوست.

خیلی ملت‌ها هستند که از حضور آمریکا و نفوذ استکبار و ایجاد پایگاه‌های نظامی و دخالت‌های اقتصادی و ترویج فرهنگ بیگانه در کشورشان، دل‌هایشان پُر است و ناراحت و ناراضی‌اند؛ اما جرأت نفس کشیدن و قدرت اقدام کردن ندارند، رهبری برای حرکت در میان آن‌ها نیست و اختناق به نحوی است که اجازه‌ی تکان خوردن به آن‌ها نمی‌دهد. کشورهای مرتجع‌ی که به آمریکا وابسته‌اند، غالباً از این قبیل هستند. این ملت‌ها، وقتی می‌بینند ملتی آزادانه و با قدرت و بدون ترس، در مقابل نفوذ آمریکا و فرهنگ غرب و دخالت استکبار و حضور نظامی و اقتصادی و فرهنگی بیگانه، شعار می‌دهد و عمل می‌کند و محکم می‌ایستد، قهری است که در دلشان نسبت به این ملت و انقلاب، احساس علاقه می‌کنند."<sup>2</sup>

## 2- نفی ظلم و ظلم ستیزی

در طول تاریخ، خداوند همواره پیامبرانی را برای هدایت بشر فرستاده است که وظیفه‌ی این پیامبران علاوه بر دعوت به توحید و معنویت، حمایت از محرومان و مستضعفان در

1 . سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، 1383/6/31.

2 . سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با ائمه‌جمعه، علما، مسؤولین و اقشار مختلف مردم نیشابور، 1368/8/3.

برابر حکام و پادشاهان ستمگر بوده است و به اقامه ی عدل و گرفتن حق مظلوم از ظالم می پرداخته اند.

امیر المؤمنین(ع) می فرماید من حکومت را به این علت قبول کردم که خداوند تبارک و تعالی از علمای اسلام تعهد گرفته و آن ها را ملزم کرده که در مقابل پرخوری و غارتگری ستمگران و گرسنگی و محرومیت ستمدیدگان ساکت ننشینند و بیکار نایستند و هم چنین آن حضرت در وصیت معروف به دوفرزند بزرگوارش تذکر می دهد و می فرماید: " و کونا للظالم خصما، و للمظلوم عونا" (دشمن ستمگر، و یاور و یشتیبان ستمدیده باشید).

البته به نظر می رسد که در فرهنگ سیاسی اسلام، مسلمانان در مواجهه با مسأله ظلم سه وظیفه دارند:

1-ظلم نکردن و ظالم نبودن و به ستمگر و ظالم یاری نرساندن؛

2-مورد ظلم و ستم واقع نشدن و مظلوم نبودن؛

3-به یاری مظلومان شتافتن و در برابر ظالم قیام کردن.

خداوند نیز در آیه 279 سوره بقره می فرماید: لا تظلمون و لا تظلمون" نه ظلم کنید و نه قبول ظلم کنید و زیر بار ظلم بروید."

چنان چه از آیه فوق بر می آید، اسلام نه تنها مسلمانان را از ظلم کردن به زیر دستان نهی می کند بلکه آنان را از مورد ظلم قرار گرفتن و سکوت در برابر مستکبران و ظالمان بر حذر می دارد. اسلام به مسلمانان روحیه شجاعت و ایستادگی در برابر حکام و قدرتمندان را آموزش می دهد و این جسارت و گستاخی مسلمانان در دل کفار و دشمنان اسلام ترس و دلهره می اندازد و جمهوری اسلامی ایران نمونه یک الگوی موفق ایستادگی در مقابل ابرقدرت ها و قلدران جهانی است.

"ریشه های عدالت طلبی، مبارزه با ظلم و استعمار و استکبار ستیزی را توأمان می توان در فرهنگ ایرانی و ایدئولوژی اسلامی ردیابی کرد. عدالت خواهی و ظلم ستیزی از چنان جایگاهی در فرهنگ ایرانی، حتی قبل از اسلام، برخوردار بوده که بسیاری آن را یکی از عناصر مقوم هویت

ملی ایران قلمداد می کنند. به گونه ای که در اساطیر باستانی ایران نیز ستمگری به شدت نکوهش می شود و عدالت ورزی و دادگری مورد تحسین و تأکید قرار می گیرد... با وجود این، نقش و تأثیر اصل عدالت خواهی و استعمار زدایی یا آن چه بعد از انقلاب اسلامی در سیاست خارجی ایران استکبار ستیزی نامیده شد، باید ناشی از ایدئولوژی و آموزه های اسلامی دانست. عدل یکی از صفات الهی و اصول اعتقادی شیعیان است، بسیاری از آیات و روایات اسلامی، عدل و دادگری را امر و ظلم و ستم را نهی می کند. اما نکته مهم، وجوه و وجوب مبارزه با ظلم و ستم و تلاش برای دادگستری در عرصه جهانی است. به گونه ای که قرآن کریم در آیه 25 سوره ی حدید یکی از اهداف مهم رسالت و نبوت استقرار و گسترش عدالت در جهان بشری تعیین و تعریف کرده است. امر و نهی ای که جمهوری اسلامی را، مانند هر حکومت اسلامی دیگر به مبارزه با نظام سلطه، مستکبران و استکبار مکلف و موظف می کند.<sup>1</sup>

استکبار از ریشه کبر و به معنای خود برتری و برتری طلبی است و مستکبر کسی است که سلطه ی خود را بر دیگری تحمیل می کند.

" در قرآن کریم برای مستکبران چند نشانه ذکر شده است:

1. برتری جویی و خود بزرگ نمایی، نه برتری واقعی؛
2. تفرقه افکنی در میان مردمان محروم و مستضعف؛
3. سرکوب بی رحمانه مخالفان؛
4. به فساد کشیدن مردم و ترویج فساد؛
5. تحقیر و توهین مردم؛
6. اسراف و ولخرجی.<sup>2</sup>

یکی از اصول اساسی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مبارزه با استکبار و نفی پذیرش ظلم بود که برخاسته از تفکر دینی و باور های عمیق مذهبی ایشان بود. امام خمینی (ره) " از يك سو با طرح پدیده ظلم ستیزی به عنوان تکلیف دینی، موجب می شد که این تفکر با غیرت دینی امت اسلامی گره خورده و برای همیشه به عنوان یکی

<sup>1</sup> . سید جلال دهقانی فیروزآبادی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت، 1389، صص 132-133.

<sup>2</sup> . هادی آجیلی، پیشین، ص 146.

از الزامات و تکالیف دینی نقش آفرین گردد و از سوی دیگر، روحیه مبارزه با ظلم و قدرت های استکباری را در عمق جان توده های تحت ستم کاشته و بدین سان، زمینه خیزش و جنبش های رهایی بخش و ضد استعماری را بیش از پیش فراهم می ساخت. مواجهه و رویارویی جدی و همه جانبه حضرت امام (ره) در برابر دنیای استکبار و بویژه ابرقدرت آمریکا، در ابعاد نظری و عملی، تأثیرات خاص و عمیقی را در جهان و به ویژه جنبش های اسلامی از خود به جای گذاشت. اگر تا قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، رویارویی با دنیای استکباری و ایستادگی در برابر غرب و آمریکا، تنها يك آرمان و ذهنیت دور از واقعیت تلقی می شد؛ با شکل گیری انقلاب اسلامی و پیروزی همه جانبه آن، جهان مستضعف به مبارزات ضد استعماری و رهایی بخش شان امیدوار گردیدند و نهضت های اسلامی در عرصه جهانی جان تازه ای یافت.

برنامه ظلم ستیزی حضرت امام (ره) به عنوان تکلیف دینی و الهی، پیوند عمیق و همه جانبه ای را میان اندیشه های سیاسی - دینی آن حضرت و نهضت های اسلامی در سراسر جهان برقرار می سازد. همین پیوند ناگسستنی، براساس تکلیف شرعی و دینی، میان تمامی نهضت ها و جنبش های دینی برقرار بوده و زمینه های باروری و شکوفایی هرچه بیشتر این خیزش ها را از طریق اتحاد و همسویی نظری و عملی فراهم می آورد .

بنابراین، ظلم ستیزی و مبارزه با استکبار زمانی که صبغه دینی و مکتبی به خود می گیرد، از قوی ترین انگیزه ها نیز برخوردار می گردد. نگرش سیاسی حضرت امام (ره) به تکالیف اجتماعی دین، موجب شد، تا دین و تعالیم دینی در عرصه های اجتماع حضور یافته و نقش چشمگیر خود را در انگیزش، تحریر و بسیج توده های مردم علیه نظام ظالمانه حاکم بر جوامع مستضعف بیش از پیش ایفا نماید. اگر در اندیشه سیاسی حضرت امام (ره)، مبارزه با ظلم و استکبار به عنوان يك تکلیف دینی مطرح می گردد، طبیعی است که این امر در تقویت و دلگرمی نهضت های اسلامی نقش بارزی ایفا خواهد کرد:

«خدای تبارك و تعالی ما را مكلف کرده که با این طور اشخاص، با این طور ظلم، با این هایی که اساس اسلام را